

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

کمیته جوانان بلجیم
۱۳ سپتمبر ۲۰۱۶

"یوسف سیلاوی" کیست و کجاست؟



یوسف سیلاوی از عرب‌های شهر اهواز، نه به دلیل فعالیت‌های سیاسی مشخص، نه حتی به یک اتهام ساختگی و نه به هیچ دلیل دیگری در روز ۱۷ آبان ماه [عقرب] ۱۳۸۸ در منزل شخصی‌اش در محله فاز چهار اهواز، از سوی مأموران اطلاعات رژیم ربوده و ناپدیدشده و تاکنون خبری از سرنوشت او در دست نیست! بستگان او، به‌ویژه همسر و دخترانش، به تمام مراکز قضائی، نظامی، امنیتی، زندان‌ها و حتی تمام بیمارستان‌ها و سردخانه‌ها مراجعه کرده اما پیگیری‌های ایشان تاکنون بدون نتیجه مانده و تلاش سازمان‌های حقوق بشری مانند عفو بین‌الملل و حقوق بشر اهواز برای اطلاع‌رسانی به سازمان ملل و نهادهای جهانی هم ره به‌جائی نبرده است و چنین است که خانواده او هیچ خبری از وضعیت وی، محل نگهداری او و حتی زنده بودن یا نبودن یوسف سیلاوی ندارند. گمانه‌زنی‌هایی وجود دارد که ربودن یوسف در راستای فشار بر اعضای خانواده سیلاوی در جهت متوقف کردن فعالیت‌های سیاسی ایشان در خارج از ایران و در رابطه با خلق عرب است.

یوسف سیلاوی چه در بند رژیم جمهوری اسلامی باشد، اتهام سیاسی داشته باشد یا نداشته باشد، مبارزه برای رهایی خلق عرب و تمام خلق‌ها (کرد، بلوچ، ترک، ترکمن و ...) از زندان ملی که جمهوری اسلامی برپا ساخته است حیاتی بوده و باید آزادی زندانیان و یافتن ربوده شدگان را در پرتو سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی جست و جو کرد.

طبقه‌ی حاکمه‌ی جمهوری اسلامی در سرکوبِ خلق‌های ایران، متحد طبقاتی تمام دولت‌های سرمایه‌داری در جهان به‌ویژه در منطقه‌ی خاورمیانه است؛ این رژیم در سرکوبِ خلق‌ها می‌تواند با امریکائی متحد شود که سرکوبِ سیاهان و لاتین-تبارها جزئی از دینامیکِ درونی‌اش است، می‌تواند با دولت‌های منطقه‌ی مانند ترکیه و عربستان و ... متحد شود که سرکوبِ ملل بخشی از سوخت و ساز آن‌ها برای بقای‌شان است، تمام این دولت‌ها نمایندگان سیستم سرمایه‌داری و دشمن خلق‌های تحتِ ستم هستند و حتی در زمانی‌که با یک دیگر می‌جنگند، در قربانی کردنِ فرودستان و خلق‌های تحت ستم، با یک دیگر متحدند!

امروزه در خاورمیانه، در رقابتِ خون‌بارِ امپریالیست‌ها و تضاد آن‌ها با دول منطقه و جنگ‌های ادامه‌دار، شاهد واقعیاتِ دردناکی هستیم و می‌بینیم که نیروهای ارتجاعی امپریالیستی، دولت‌های منطقه و انواع و اقسام بنیادگرایان اسلامی در ائتلاف‌های جنگی با یک دیگر متحد شده‌اند و توده‌ها و ملل ستمدیده را تبدیل به سربازان خود ساخته و به نام دین یا شوونیسم و ناسیونالیسم در برابر یک دیگر قرار داده و در ورای این ویرانی عظیم، منافع طبقاتی خود را جست و جو می‌کنند. در ضعفِ جنبش انقلابی و کمونیستی در سطح جهان، روند رایج چنین شده که جنبش‌های ملی و اقلیت-های مختلفی که در تضاد با طبقاتِ حاکمه قرار دارند و برای رهائی خود به پا خاسته‌اند، در این ویرانی عظیم استحاله - می‌شوند. یا به واسطه‌ی سازش بورژوازی خود ملل تحت ستم با بورژوازی حاکم نفس جنبش‌های ملی را می‌گیرند، یا در رقابتِ امپریالیست‌ها با هم یا در تضاد امپریالیست‌ها با دول منطقه مانند ایران و ترکیه و عربستان ... تبدیل به کارت بازی در نقشه‌های امپریالیستی می‌شوند. یا ترکیبی از هر دو که امروزه در خاورمیانه شاهد تمام انواع آن هستیم که توده‌های عرب، کُرد، هزاره و بلوچ و ... قربانیان اصلی ماجرا شده‌اند. تاریخ نشان داده که بدون برخوردِ طبقاتی به مسئله ملی و بدون سمت‌گیری رهائی‌بخش کمونیستی، سرنوشتِ ملل ستمدیده و توده‌های به پا خاسته، از دایره ستمدیده و ستمگر خارج نخواهد شد.

ما باید صدای دیگری را تقویت کنیم و شکل دیگری از رهائی توده‌ها را ترسیم کنیم. از نظر ما روند قدرت‌گیری و تحکیم جمهوری اسلامی که بر پایه سرکوب خونین مردم، انقلابیون، زنان، ملل تحت ستم و اقلیت‌ها ... بوده نشان می‌دهد که برای پایان دادن به این ستم‌ها، سرنوشتی انقلابی آن ضروری است؛ و تلاش برای آگاهی از سرنوشت و نجات سیلای‌ها بخشی از این مبارزه است. سرنوشتِ یوسف سیلاوی و میلیون‌ها عرب و کرد و بلوچ و ... که در زندان‌های رژیم‌های واپس‌گرا هستند، یا ربوده و ناپدید شده و یا فردی و دسته‌جمعی اعدام می‌شوند، به نوع مبارزه و فعالیتی که ما امروز می‌کنیم گره خورده است، به سرنوشتِ سیاهان و لاتینوهای دربند در امریکا و سایر ربوده‌شدگانی که خواهان حقیقت هستند، گره خورده است. از این‌رو ما بدون توهم به سازشکاری بورژوازی ملل ستمدیده با طبقات حاکم، بدون درخواست از نهادهای مشروع امپریالیستی و دولتی، به توده‌های مبارز و حقیقت‌جو تکیه می‌کنیم و مبارزه با رژیم‌های واپس‌گرای مذهبی را به مبارزه با نظام واپس‌گرای سرمایه‌داری گره می‌زنیم. راه رهائی ملل ستمدیده، انقلاب است، یک انقلاب واقعی که بشریت را رها سازد؛ انقلاب کمونیستی.

۱۰ سپتامبر ۲۰۱۶